

اقتصاد کلان

حسابداری ملی

مفاهیم مقدماتی حسابداری ملی

دکتر مرضیه اسفندیاری

در جهان امروز داده های اقتصادی از اهمیت زیادی برخوردارند. در این خصوص داده های کلان اقتصادی مانند نرخ تورم، بیکاری، رشد اقتصادی، کسری بودجه، نقدینگی و امثال آن از جایگاه ویژه ای برخوردارند. حسابداری ملی شاخه ای از اقتصاد کلان است که به تولید و تحلیل این داده ها می پردازد. به عبارت دقیق تر مطالعه و اندازه گیری عناصر اساسی همه فعالیت های اقتصادی یک کشور در طول زمان معین (معمولا یک سال) حسابداری ملی نامیده می شود. بدون وجود داده های ملی، پیش بینی دقیق متغیرهای اقتصادی و برنامه ریزی و سیاست گذاری اقتصادی امکانپذیر نیست.

تاریخچه در جهان

ویلیام پتی 1665 ← تکمیل مطالعات پتی توسط گریگوری کینگ 1696 ← عدم توجه به حسابداری ملی تا دهه 1930 به دلیل حاکمیت تفکرات کلاسیکی ← حاکمیت تفکر کینز و محاسبه درآمد ملی آمریکا توسط سیمون کوزنتس 1934 ← انتشار آمار درآمد ملی بریتانیا توسط ریچارد استون 1941 ← انتشار گزارش ریچارد استون با عنوان "تعریف و اندازه گیری درآمد ملی و حساب های مرتبط" زمینه تشکیل و ایجاد یک نظام جامع حساب های ملی در سازمان ملل گردید ← تشکیل سیستم حساب های ملی (SNA) از 1993

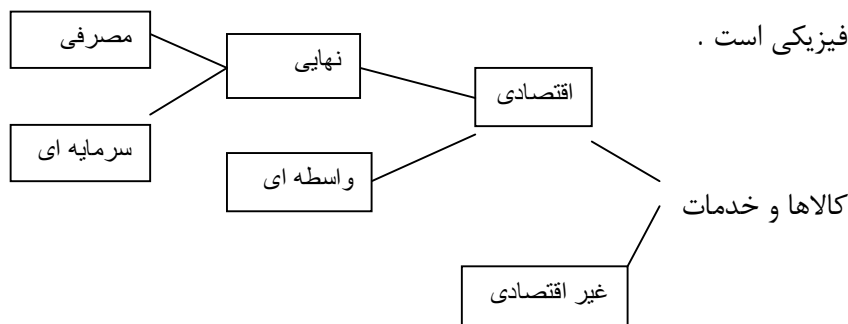
تاریخچه در ایران

تخمین درآمد ملی توسط مازور جرالده تالبوت مشاور مالی نخست وزیر انگلیس 1269 شمسی ← از سال 1338 اداره حساب های اقتصادی و اداره آمار بانک مرکزی و از سال 1373 مرکز آمار ایران همراه بانک مرکزی محاسبه و ارائه می نمایند.

مفاهیم و تعاریف مقدماتی

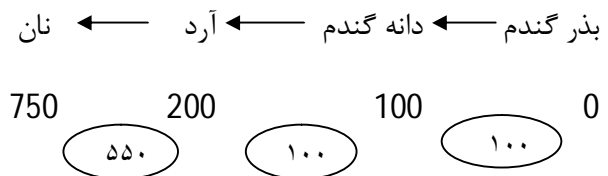
تعریف کالا و خدمت و انواع آن:

کالاها و خدمات، نیاز انسان را برطرف می کنند با این تفاوت که کالا به صورت فیزیکی و خدمت جنبه غیر فیزیکی است .



ارزش افزوده: Value Added

فرایند تولید کالاها دارای مراحل مختلفی است و در هر مرحله به ارزش کالای تولید شده در مرحله قبل اضافه می شود این تغییر در ارزش کالا را ارزش افزوده می گویند.



ارزش افزوده برابر ارزش ایجاد شده در هر مرحله تولید بوده و سهم یک تولید کننده، بخش یا صنعت را از تولید ناخالص داخلی اندازه می گیرد. برای محاسبه ارزش افزوده فعالیت های اقتصادی از دو روش استفاده می شود. در یک روش تفاضل میان ارزش محصول تولید شده (ستاده) و ارزش مخارج واسطه (هزینه خرید کالاهای واسطه ای مورد استفاده در تولید یک محصول مانند مواد خام، مواد اولیه، حمل و نقل و بیمه و...) به دست می آید. در روش دیگر ارزش افزوده از حاصل جمع مبالغ پرداختی به عوامل تولید مورد استفاده در تولید یک محصول تعریف می شود (سود، اجاره دریافتی، بهره دریافتی، حقوق و دستمزد)

نکات:

- 1- مجموع ارزش افزوده در مراحل مختلف تولید یک کالا برابر است با ارزش کالای نهایی
- 2- ارزش افزوده در هر مرحله بین عوامل تولید به صورت مزد و حقوق، اجاره، بهره و سود توزیع می شود.
- 3- به دو روش می توان ارزش افزوده را محاسبه نمود: الف) روش نهاده-ستاده در این روش ارزش نهاده را از ارزش ستاده کسر می نماییم. ب) پرداختی به عوامل تولید: در این روش مجموع پرداختی به عوامل تولید را در نظر می گیریم.
- 4- اجاره و بهره پرداختی توسط بنگاه جزئی از هزینه های بنگاه و اجاره و بهره دریافتی جزئی از ارزش افزوده بنگاه است.

Gross Domestic Product(GDP)

تولید ناخالص داخلی:

ارزش پولی مجموع کالاها و خدمات نهایی تولید شده در داخل مرزهای یک کشور در دوره زمانی معین (معمولاً یک سال)

تولید ناخالص ملی Gross National Product(GNP)

ارزش پولی مجموع کالاها و خدمات نهایی تولید شده توسط اعضای یک ملت در طول دوره زمانی معین (معمولاً یک سال)

نکات مربوط به تولید ناخالص ملی و داخلی:

1- الزام به استفاده از ارزش پولی کالاها و خدمات به جای اندازه های مقداری (فیزیکی) آنها به دلیل تفاوت معیار سنجش کالاهای مختلف

2- با توجه به این که ارزش کالاهای واسطه ای در کالاهای نهایی نهفته است تنها کالاهای نهایی در محاسبات مربوط به تولید منظور می گردد.

3- کالاهای نهایی به دو دسته مصرفی و سرمایه ای تقسیم می شوند. به دلیل این که کالاهای سرمایه ای دچار استهلاک می شوند، وجود استهلاک یا مصرف سرمایه ثابت منجر به محاسبه شاخص های تولید به صورت " ناخالص " می گردد. با کسر استهلاک می توان شاخص تولید را " خالص " به دست آورد.

4- برای تبدیل تولید ناخالص داخلی به ملی لازم است مجموع درآمدهای دریافتی به وسیله عوامل تولید ملی از خارج را به GDP اضافه نمود و متقابلاً کلیه درآمدهای حاصل از تولید در کشور را که به عوامل تولید خارجی منتقل شده است از GDP کسر نمود. بنابراین می توان نوشت:

$$GDP + F_y = GNP$$

F_y خالص درآمد عوامل تولید از خارج = تفاضل پرداخت به عوامل خارجی در داخل کشور از دریافتی عوامل تولید ملی از کشورهای دیگر

5- ارزش پولی یک کالا از حاصل ضرب مقدار کالا در قیمت کالا به دست می آید. اگر ارزش گذاری متغیرهای اقتصادی بر مبنای قیمت متداول روز باشد، متغیر به قیمت جاری یا قیمت اسمی به دست می آید. در مقابل اگر در محاسبه ارزش پولی متغیرهای کلان اقتصادی از قیمت یک سال معین (سال پایه) استفاده شود ارزش پولی به قیمت ثابت به دست آمده است.

6- محاسبه ارزش تولیدات در محل تولید بر اساس پرداخت به عوامل تولید، محاسبه به قیمت عوامل نامیده می شود در حالی که محاسبه ارزش کالاها و خدمات در محل مصرف (بازار) که شامل خالص مالیات های غیر مستقیم است را محاسبه به قیمت بازار گویند.

NIT خالص مالیات غیر مستقیم = مالیات غیر مستقیم - یارانه پرداختی به بنگاه ها
 GDP_F تولید ناخالص داخلی به قیمت عوامل = تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار GDP_M - خالص مالیات های غیرمستقیم NIT

درآمد ملی: $National\ Income=NI$

درآمد ملی شامل مجموع درآمدهای ایجاد شده ، نه لزوما دریافت شده، توسط عوامل تولید ملی در طول یک سال است.

نکات:

- 1- درآمد ملی همان تولید خالص ملی به قیمت عوامل است.
- 2- پرداخت های انتقالی شامل کمک های بلا عوض و یکطرفه برای حفظ توازن اجتماعی که در واقع پاداش عوامل تولید در قبال فعالیت اقتصادی نیست در محاسبه درآمد ملی لحاظ نمی شود.

درآمد اشخاص (شخصی): $Personal\ Income=PI$

مجموع درآمدهای دریافت شده توسط مردم از کلیه منابع ممکن

برای محاسبه درآمد شخصی از درآمد ملی باید بخشی از درآمد ملی که به دست افراد نمی رسد مانند مالیات بر سود شرکت ها ، سود توزیع نشده شرکت ها، درآمد دولت بابت کارفرمایی و مالکیت را از آن کسر نموده و بخشی از درآمد افراد که در درآمد ملی ثبت نمی شود مانند پرداخت های انتقالی به مردم را به درآمد ملی اضافه نماییم.

درآمد قابل تصرف اشخاص: $(Disposable\ Income= DI)$

با کسر مالیات شخصی و سایر پرداخت های اجباری اشخاص به دولت از درآمد شخصی به دست می آید. درآمد قابل تصرف بین مصرف، پس انداز، بهره پرداختی مصرف کنندگان به بنگاه ها و پرداخت انتقالی به خارجیان تقسیم می شود.

پس انداز شخصی:

پس انداز خانوارها در طول یک دوره معین پس انداز شخصی نامیده می شود.

پس انداز ملی:

پس انداز ملی شامل پس انداز شخصی، سود توزیع نشده و استهلاک است.

درآمد سرانه:

از تقسیم درآمد ملی به جمعیت کشور درآمد سرانه حاصل می شود. درآمد سرانه معیاری جهت سنجش رفاه یک کشور است. ولیکن به تنهایی نمی تواند تصویر درستی از رفاه ارائه نماید.

مالیات:

مالیات منبع اصلی کسب درآمد برای دولت است. از لحاظ شیوه اخذ، مالیات به دو دسته: مستقیم و غیر مستقیم تقسیم می شود. در مالیات مستقیم پرداخت کننده مالیات مشخص است و نسبت به میزان مالیات آگاه است. ولیکن در مالیات غیر مستقیم پرداخت کننده مالیات و میزان مالیات برای پرداخت کننده نامشخص است زیرا این نوع از مالیات در قیمت بازاری کالا مستتر است.

تفاوت تولید به قیمت عوامل و تولید به قیمت بازار در خالص مالیات های غیر مستقیم است که با کسر یارانه پرداختی به بنگاهها از مالیات غیر مستقیم به دست می آید.

مصرف:

استفاده از منابع موجود به منظور رفع حواجی و نیازها، مصرف نامیده می شود. در حساب های ملی مصرف کالاها و خدمات با توجه به نوع مصرف در دو شکل نهایی و واسطه ای تعریف می شود.

مصرف نهایی مجموع مصرف کالاها ی نهایی است که از حاصل جمع مصرف نهایی خانوار، دولت و موسسات غیرانتفاعی در خدمت خانوار و صادرات به دست می آید.

مصرف واسطه ای عبارت از ارزش کالاها و خدماتی که به عنوان داده توسط بنگاه در یک دوره معین مورد استفاده قرار می گیرد مانند کالاهای نیمه ساخته، مواد اولیه، سوخت و لوازم التحریر.

مصرف نهایی خانوار عبارت است از ارزش کالاهای جدید و خدمات در یک سال منهای خالص فروش کالاهای دست دوم و فرسوده. این مخارج شامل خرید کالاهای بادوام مانند خودرو، یخچال و تابلوی هنری، کالاهای بی دوام شامل خوراک و لباس و خدمات شامل بهداشت، حمل و نقل، فراغت و اجاره منازل مسکونی است.

نکات مربوط به مصرف نهایی خانوارها:

- 1- هزینه های مربوط به خرید و ایجاد واحدهای مسکونی، تعمیرات اساسی و اضافات ساختمانی جزو هزینه های مصرفی منظور نشده بلکه در حساب تشکیل سرمایه لحاظ می شود. زیرا این اقلام بطور کامل در یک دوره مصرف نمی شوند. به همین ترتیب است مبالغ پرداختی بابت حق اشتراک آب، برق، تلفن و گاز
- 2- مالکین ساکن در املاک مسکونی مورد تملک شان به عنوان اجاره دهندگان املاک به خود تلقی شده و معادل اجاره ملک با نام اجاره ضمنی به اجاره واقعی که توسط مستاجرین پرداخت می شود، اضافه شده و جزو هزینه های مصرفی خانوار محسوب می شوند.
- 3- اگر خانوارها خود مصرفی داشته باشند یعنی بخشی از کالاهای تولیدی خود را مصرف نمایند، ارزش مقدار مصرف تخمین زده شده و جزو مخارج مصرفی منظور می شوند. البته خود مصرفی خدمات (به جز اجاره ضمنی) در محاسبات حساب های ملی لحاظ نمی شوند. بنابراین اگر فعالیت هایی مانند آشپزی و پرستاری کودک توسط خود خانوار انجام می شود جزو مخارج مصرفی خانوار قرار نمی گیرد.
- 4- خرید برخی از کالاهای بادوام توسط خانوارها به منظور کسب درآمد مانند تاکسی یا ابزار کار جزو هزینه های مصرفی خانوار منظور نمی شوند.

مصرف نهایی دولت مجموعه مبالغی است که بخش دولتی شامل دزارتخانه ها، ادارات دولتی، شهرداری ها، موسسات غیرانتفاعی دولتی و سازمان تامین اجتماعی برای خرید کالاها و خدمات مصرفی هزینه می شود. البته آن بخش از مخارج دولت که یک بار جزو هزینه های مصرفی خانوار منظور شده مانند بازپرداخت هزینه های درمان جزو هزینه های مصرفی دولت منظور نمی شود.

تشکیل سرمایه (سرمایه گذاری)

از مجموع کالاهای تولید شده در کشور یا وارد شده به کشور، آن بخش که توسط خانوار یا دولت مصرف نشده و همچنین به سایر کشورها صادر نشده است به عنوان تشکیل سرمایه یا سرمایه گذاری و یا به عبارت دقیقتر انباشت سرمایه تعریف می شود.

می توان گفت که تشکیل سرمایه، تغییر در موجودی سرمایه کشور در طول یک دوره زمانی معین است که به دو جزء تقسیم می شود:

الف) انباشت (تشکیل) سرمایه ثابت ناخالص:

در حسابهای ملی تشکیل سرمایه ثابت برابر خالص خرید داراییهای ثابت تولید شده است. ماشین آلات، خودرو، دفاتر کار، سازه ها، ساختمان های صنعتی و نرم افزارها از جمله این داراییها هستند.

نکات:

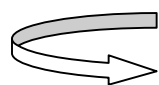
- 1- عبارت ثابت به مفهوم عدم امکان جابجایی مکانی سرمایه ها نیست. بلکه منظور این است که این دارایی ها شامل تغییر در موجودی انبار نمی شوند.
- 2- خالص خرید یعنی فروش دارایی های ثابت در بازارهای دست دوم از خرید دارایی های ثابت کسر شود.
- 3- دارایی های تولید شده تنها شامل دارایی هایی می شوند که محصول یک فرایند تولید هستند پس زمین، جنگل های طبیعی و مخازن نفت و ... را شامل نمی شوند. زیرا به وسیله طبیعت حاصل شده اند .
- 4- بطور کلی استفاده از دارایی های ثابت برای تولید کالاها و خدمات با فرسودگی و کاهش ارزش این دارایی ها همراه است که آن را استهلاک یا مصرف سرمایه ثابت گویند. استهلاک یا به دلیل تغییر سریع تکنولوژی و از مدافتادگی است که فرسودگی اقتصادی نامیده می شود و یا ناشی از کار طبیعی ماشین آلات و ساختمان در فعالیت های تولیدی است که فرسودگی عادی نامیده می شود.
- 5- خرید و فروش کالاهای سرمایه ای دست دوم داخلی، خرید و فروش حقوق معنوی مانند حق سرقفلی، حق اختراع و... جزو تشکیل سرمایه نیست.

ب) تغییر در موجودی انبار

افزایش یک مقدار به موجودی انبار به مفهوم عدم مصرف آن توسط بخش خصوصی یا دولتی در دوره جاری است لذا تغییر در موجودی انبار نیز تشکیل سرمایه نامیده می شود.

روش های محاسبه تولید

1- روش ارزش افزوده یا تولید



مجموع ارزش افزوده بخش های مختلف اقتصاد - کارمزد احتسابی
تولید ناخالص داخلی به قیمت عوامل

کارمزد احتسابی: بانک ها با استفاده از سپرده های دیداری بخش خصوصی وام پرداخت نموده و با بهره حاصل از این وام ها درآمدی کسب می نمایند که در ارزش افزوده آنها لحاظ می شود. از سوی

دیگر بانکها به این سپرده ها بهره پرداخت نکرده و یا بهره کمتری نسبت به نرخ بهره بازار پرداخت می کنند و در مقابل برای خدماتی که به صاحبان این سپرده ها و وام گیرندگان ارائه می کنند کارمزدی دریافت نمی کنند. این خدمات شامل مدیریت حساب های مشتریان، اعلام گزارش های بانکی، انتقال وجوه بین حساب ها و امثال آن است. حال این کارمزد پرداخت نشده نیز در ارزش افزوده بخش های مذکور قرار می گیرد. لذا برای اجتناب از محاسبه مضاعف، مبلغی از مجموع ارزش افزوده کل بخشها به نام کارمزد احتسابی و یا خدمات واسطه گری های مالی اندازه گیری شده به روش غیرمستقیم کسر می شود.

2- روش مخارج یا هزینه

مجموع مخارج نهایی در یک سال بابت خرید کالاها و خدمات، هزینه ناخالص داخلی نامیده می شود. که در واقع وجه دیگری از تولید ناخالص داخلی است. این هزینه ها شامل هزینه مصرفی بخش خصوصی (C)، هزینه سرمایه گذاری (I شامل تشکیل سرمایه ثابت ناخالص و تغییر در موجودی انبار)، هزینه بخش دولتی (G مصرفی و سرمایه گذاری) و خالص صادرات (X-M عبارتست از ارزش صادرات منهای ارزش واردات)

$$C+I+G+X-M=GDP_m$$

به دلیل این که در این روش مخارج بر مبنای قیمت های بازار محاسبه می شود لذا تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار حاصل می شود.

3- روش درآمد یا توزیع

درآمد ملی در این روش از جمع جبران خدمات کارکنان، خالص بهره، خالص اجاره و سود بدست می آید.

جبران خدمات کارکنان شامل دستمزد و حقوق قبل از کسر مالیات، حق بیمه و بازنشستگی است. بهره در واقع سهم سرمایه های مالی (نقدی و استقراضی) است. منظور از خالص بهره عبارتست از بهره دریافتی منهای بهره پرداختی.

اجاره سهم خدمات اموال بادوام مانند ساختمان و ماشین آلات است که در تولید مورد استفاده قرار می گیرند اعم از اینکه در تملک تولیدکننده باشند یا در تملک دیگری بوده و توسط بنگاه استفاده شود.

سود شامل سود مشاغل آزاد (انفرادی) و سود شرکتها (شامل سود توزیع شده، سود توزیع نشده، مالیات بر سود) است.

درآمد دولت بابت کارفرمایی و مالکیت نیز جزء درآمد ملی منظور می شود. البته دریافت‌های مالیاتی دولت که نوعی انتقال جاری است جزو این قلم محسوب نمی شود.